

- ۱- شکل های مختلف روابط جهان های اجتماعی با یکدیگر را بنویسید.ج: روابط جهان های اجتماعی با یکدیگر می تواند شکل های متفاوتی داشته باشد که هرکدام از آنها آثار هویتی متفاوت به دنبال می آورد. این روابط گاهی در محدوده هنجارها و نمادها یا در شیوه های زندگی است و گاهی در سطح عقاید، آرمان ها و ارزش های اجتماعی است. ص ۹۷
- ۲- جهان های اجتماعی چگونه زمینه ی گسترش و پیشرفت خود را فراهم می کنند؟ج: اگر جهان اجتماعی با حفظ عقاید، آرمان ها و ارزش های خود، با جهان های اجتماعی دیگر تعامل و داد و ستد داشته باشد و در محدوده هنجارها و شیوه زندگی، عناصری را از جهان اجتماعی دیگر بگیرد و در صورت لزوم، تغییرات لازم را در آنها پدید آورد، زمینه ی گسترش و پیشرفت خود را فراهم می آورد. ص ۹۷
- ۳- جهان اسلام در سده های نخستین رویارویی با جهان های اجتماعی دیگر چگونه با آن ها به تعامل پرداخت و چه عناصری را از آن ها گرفت؟ج: جهان اسلام در سده های نخستین رویارویی با جهان های اجتماعی دیگر، با حفظ هویت فرهنگی خود به تعامل با آنها پرداخت و به همین دلیل، عناصر سازگار با هویت خود را از آنها گرفت و در موارد مورد نیاز، به بازسازی آن عناصر پرداخت. ص ۹۷
- ۴- چرا جهان اسلام در مواجهه با فرهنگ یونان و روم تنها عناصر عقلی آن ها را اخذ کرد؟ج: به دلیل اهمیتی که اسلام برای عقل و عقلانیت قائل است، جهان اسلام در مواجهه با فرهنگ یونان و روم، تنها عناصر عقلی این دو فرهنگ را اخذ کرد. ص ۹۷
- ۵- چرا جهان اسلام در مواجهه با فرهنگ یونان و روم عناصر مشرکانه و اساطیری آن ها را اخذ نکرد؟ج: جهان اسلام در مواجهه با فرهنگ یونان و روم، تنها عناصر عقلی این دو فرهنگ را اخذ کرد و به تناسب جهان شناسی توحیدی خود در دانش های مختلف آنها دخل و تصرف کرد و عناصر اساطیری و مشرکانه ی آنها را نپذیرفت. ص ۹۷
- ۶- با ذکر نمونه ای مشخص کنید که جهان اسلام عناصر عقلی را پذیرفت ولی عناصر مشرکانه را نپذیرفت؟ج: مسلمانان عناصر عقلی مثل آثار فلسفی، پزشکی، ریاضی و نجوم یونان و روم را ترجمه کردند ولی عناصر مشرکانه و اساطیری مثل آثار تاریخی، ادبی، افسانه ها و اسطوره های آنها را رها کردند. ص ۹۷
- ۷- یک جهان اجتماعی چه زمانی دچار تحولات هویتی می شود؟ج: اگر جهان اجتماعی در تعامل با جهان های دیگر، بر عقاید و ارزشهای خود پافشاری نکند، داد و ستد فرهنگی به لایه های عمیق آن سرایت می کند و در صورتی که به مرور زمان، به عقاید و آرمان های خود پشت کند، دچار تحولات هویتی می شود. ص ۹۷
- ۸- یک جهان اجتماعی چه زمانی به جهان اجتماعی دیگری ملحق می شود؟ج: اگر جهان اجتماعی در مسیر تحولات هویتی خود، ارزش ها و عقاید جهان اجتماعی دیگری را قبول کند، به آن جامعه ملحق می شود. ص ۹۷
- ۹- جهان اسلام در رویارویی با فرهنگ های دیگر چه تغییری در هویت آن ها پدید آورد؟ج: جهان اسلام در رویارویی با فرهنگ های دیگر، زمینه ی تحولات هویتی آن ها را پدید آورد. بسیاری از فرهنگ ها همانند مصر و ایران و... در تعامل با جهان اسلام، عقاید و ارزش های توحیدی آن را پذیرفتند و به آن ملحق شدند. ص ۹۷
- ۱۰- تحولات هویتی جهان های اجتماعی به چند شکل می باشد؟ج: به دو شکل: ۱- یک جهان اجتماعی ممکن است که ارزش ها و عقاید جهان اجتماعی دیگری را قبول کند و به آن ملحق شود. مانند جامعه مصر در تعامل با جهان اسلام و پذیرش عقاید و ارزشهای توحیدی آن، دچار تحولات هویتی شد و به آن ملحق گردید. ۲- ممکن است یک جهان اجتماعی در مواجهه با جهان اجتماعی دیگر، ضمن پذیرش بخش هایی از آن، هویت جدیدی به دست آورد و بدون اینکه به جهان اجتماعی مقابل ملحق شود، دچار تحولات هویتی گردد. مانند جهان غرب طی جنگهای صلیبی، پس از رویارویی با فرهنگ اسلامی و پذیرش برخی لایه های آن، بدون اینکه به جهان اسلام بپیوندد، تحولات هویتی پیدا کرد. ص ۹۷ و ۹۸
- ۱۱- جهان غرب بعد از قرون وسطی چه نوع هویتی پیدا کرد؟ج: جهان غرب با عبور از عقاید و ارزش های مسیحیت قرون وسطی، به عقاید و ارزش های دنیوی و سکولار روی آورد و هویت جدیدی پیدا کرد. ص ۹۸
- ۱۲- جهان های اجتماعی چه زمانی با یکدیگر به داد و ستد و تعامل می پردازند؟ج: جهان های اجتماعی هنگامی به داد و ستد و تعامل می پردازد که اعضای آن، به طور فعال و خلاق براساس نیازها، مشکلات و مسائل خود، با جهان اجتماعی دیگر رویارو شوند. ص ۹۸

- ۱۳- یک جهان اجتماعی چگونه دچار «خودباختگی فرهنگی» می شود؟ ج: اگر اعضای یک جهان اجتماعی مبهوت و مقهور جهان اجتماعی دیگر شوند و در نتیجه، حالت فعال و خلاق خود را در گزینش عناصر فرهنگی دیگر از دست بدهند، دچار خودباختگی فرهنگی می شوند. ص ۹۸
- ۱۴- جهان اجتماعی خودباخته (خودباختگی فرهنگی) چه ویژگی هایی دارد؟ ج: ۱- عناصر فرهنگی جامعه دیگر را بدون تحقیق و گزینش و به صورت تقلیدی فرا می گیرد. ۲- جهان اجتماعی خودباخته، به روش تقلیدی عمل می کند ۳- ارتباطش را با فرهنگ و تاریخ خود از دست می دهد. ۴- نمی تواند فرهنگ گذشته ی خود را تداوم ببخشد یا گسترش دهد ۵- نمی تواند آن را رها کند و از آن بگذرد و به جهان اجتماعی دیگری که مبهوت و مقهور آن شده است، ملحق شود. ص ۹۸
- ۱۵- چرا بسیاری از جوامع غیر غربی در رویارویی با جهان غرب به خود باختگی فرهنگی گرفتار شدند؟ ج: به دلیل اینکه مرعوب قدرت اقتصادی و سیاسی برتر غرب گشتند، به خودباختگی فرهنگی گرفتار شدند. ص ۹۹
- ۱۶- «غرب زدگی» را تعریف کنید. ج: به خود باختگی جوامع غیر غربی در برابر جهان غرب را «غرب زدگی» می نامند. ص ۹۹
- ۱۷- از خودبیگانگی را تعریف کنید. ج: وقتی که انسان یا جامعه با خودش بیگانه شود، به این وضعیت «از خود بیگانگی» می گویند. ص ۱۰۰
- ۱۸- انواع از خودبیگانگی را نام ببرید. ج: الف: از خود بیگانگی فردی
ب: از خودبیگانگی اجتماعی (از خود بیگانگی فرهنگی) ص ۱۰۰
- ۱۹- از خودبیگانگی فرهنگی را تعریف کنید. ج: گاهی اوقات نه تنها افراد، بلکه جهان های اجتماعی نیز ممکن است دچار از خودبیگانگی شوند که به آن «از خودبیگانگی فرهنگی» گفته می شود. ص ۱۰۰
- ۲۰- دو معنای متفاوت از خود بیگانگی فرهنگی را نام ببرید. ج: الف: از خود بیگانگی تاریخی
ب: از خود بیگانگی حقیقی (فطری) ص ۱۰۱
- ۲۱- «از خود بیگانگی تاریخی» چیست؟ ج: اگر جهان اجتماعی، فرهنگ تاریخی خود را فراموش کند، دچار از خودبیگانگی تاریخی می شود. جوامع خودباخته ای که در مواجهه با فرهنگ دیگر، هویت خود را از یاد میبرند، به این معنای از خودبیگانگی گرفتار می شوند. ص ۱۰۱
- ۲۲- «از خود بیگانگی حقیقی یا فطری» چیست؟ ج: اگر عقاید و ارزش های یک جهان اجتماعی، مانع آشنایی اعضای آن با حقیقت انسان و جهان شود، آن جهان دچار «از خود بیگانگی حقیقی یا فطری» می شود. ص ۱۰۱
- ۲۳- کدام جهان های اجتماعی مانع شناخت انسان از عالم و آدم می شوند؟ ج: جهان های اجتماعی که براساس فطرت انسان شکل نگرفته اند و از عقاید و ارزشهای حق برخوردار نیستند، مانع از آن می شوند که انسان ها به شناخت و تفسیری صحیح از عالم و آدم برسند. ص ۱۰۱
- ۲۴- جهان هایی که دچار «از خود بیگانگی حقیقی یا فطری» شده اند چه پیامدهایی برای انسان دارند؟ ج: ۱- انسانها به شناخت و تفسیری صحیح از عالم و آدم نمی رسند ۲- انسان ها از حقیقت خود و هستی دور می مانند. ۳- تصویری که از انسان ارائه می شود، سرابی از حقیقت است. ۴- فطرت آدمی در این جهان به آرامش نمی رسد ۵- به اضطراب و تشویش گرفتار می شود ۶- و در نهایت، سر به عصیان و اعتراض برمی دارد. ص ۱۰۱
- ۲۵- از نظر قرآن انسان چه هنگامی به شناخت حقیقت خود و جهان می رسد؟ ج: از نظر قرآن، انسان هنگامی به شناخت حقیقت خود و جهان می رسد که با نگاه توحیدی به خود و جهان بنگرد. ص ۱۰۱
- ۲۶- مطابق قرآن کریم خداوند چه چیز راسبب فراموشی انسان از خود می داند؟ آیه مربوطه را بنویسید. ج: از نظر قرآن کریم عامل فراموشی انسان از خود عبارت است از: فراموش کردن خداوند، در سوره حشر آیه نوزدهم می فرماید همچون کسانی نباشید که خداوند را فراموش کردند و سپس خداوند آن ها را از یاد خودشان برد. ص ۱۰۱
- ۲۷- بر اساس نگاه توحیدی قرآن کریم، تنها جهان اجتماعی است که درهای آسمان و زمین را به روی انسان می گشاید و او را با حقیقت خود و جهان هستی آشنا می کند. ج: توحیدی ص ۱۰۱
- ۲۸- انسانی که به خود آگاهی می رسد، چه برتری هایی (امتیازهایی) پیدا می کند؟ ج: انسانی که به خود آگاهی می رسد، خویش و جهان را آیات و نشانه های خداوند می یابد و همواره انیس و همنشین خداوند است. ص ۱۰۱
- ۲۹- کدام یک از جهان های اجتماعی آدمی را از حقیقت جهان و حقیقت خود بیگانه می کنند؟ ج: جهان اجتماعی مشرکانه ی اساطیری و جهان اجتماعی سکولار و دنیوی. ص ۱۰۱